

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



نظری بر عرصه‌ی حیات انسان از منظر توحید افعالی

جبر و اختیار

در بحث اختیار انسان نیز همان نکاتی را که راجع به چک بیان شد، می‌گوییم. نقش حسابدار در پرداخت‌های مؤسسه چقدر بود؟ نقش انسان در کارهایی که به‌دست او صادر می‌شود همان قدر است. آیا قابل تصوّر است فعل اختیاری‌یی از انسان سر بزند که خود او در ایجاد آن هیچ نقشی نداشته باشد؟ خیر؛ چون هر فعلی را انسان اوّل باید در ذهن خود تصوّر و تصدیق کند؛ بعد تصمیم بگیرد؛ سپس خدا اذن تکوینی دهد تا آن عمل از او سر بزند. اگر انسان عملی را در ذهنش طراحی و تصوّر نکرده باشد و خودش هم آن طرح را امضا نکرده و به انجام آن مصمّم نشده باشد، عملی شدن آن کار به‌دست او محال است. لذا انسان در فعل اختیاری‌یی که از او سر می‌زند هیچ‌کاره نیست.

پرسش: چرا کاری را که انجام می‌شود فعل اختیاری می‌نامیم؟ درحالی‌که درمورد چک گفتیم هرچه بخواهد طراحی شود، ازقبل دستوری برای آن صادر شده است.

پاسخ: طرح و ساختار این مؤسسه به اختیار حسابدار نیست. رئیس مؤسسه تصمیم گرفت حسابدار داشته باشد؛ می‌توانست مؤسسه را طوری طراحی کند که حسابدار نداشته باشد. خدا هم عالم را طوری آفرید که انسان در آن مختار باشد؛ می‌توانست انسان را این‌گونه نیافریند؛ یا اصلاً انسان را نیافریند. خدا تصمیم گرفت که موجود مختاری به‌نام انسان بیافریند؛ بنابراین اصل آفرینش ما به اختیار ما نیست. انسان با اختیار خودش مؤث یا مذکر متولد نمی‌شود. زمان تولد او به اختیار خودش نیست. یکی هزار سال قبل متولد شد؛ یکی هم امروز متولد می‌شود. اینها قهری است و به اختیار انسان نیست. اینکه ما به‌صورت انسان خلق شده‌ایم و مثلاً گربه یا درخت یا سنگ نیستیم، یک موجود مختار و صاحب اراده‌ایم، به اختیار و انتخاب ما نیست. خدا قهراً انسان را به‌صورت یک موجود آزاد و مختار آفرید. طراحی سازمان خلقت قهری است و کار خداست و اراده و خواست انسان در آن نقش ندارد.

پرسش: این اختیار هم کامل نیست؛ بلکه تاحدی است؛ چون خدایی که ما را آفریده است، ازقبل می‌دانسته چه می‌آفریند.

پاسخ: گفتیم که محال است بشود اختیار را در تصمیم‌گیری از انسان سلب کرد. انسان در حوزه‌ی فعل اختیاریش با آزادی صد درصد تصمیم می‌گیرد. طراحی و امضا در درون انسان، صد درصد آزاد صورت می‌گیرد. دیدیم لوله‌ی تفنگ را هم روی شقیقه‌ی کسی بگذاریم، نمی‌توانیم آزادی او را سلب کنیم.

پرسش: پس جبر در اصل خلقت انسان است؟

پاسخ: جبر یعنی مجبور بودن انجام‌دهنده‌ی یک کار. خلقت کار انسان است یا خدا؟ کار خداست؛ خدا هم در آفرینش مختار بوده است. آفریده شدن انسان، کار انسان نبوده که بگوییم انسان در آن مجبور است یا مختار. بحث جبر و اختیار انسان به اصل آفرینش او تعلق نمی‌گیرد. کار آفرینش اختیاری است؛ اما اختیار خدا نه انسان. آفرینش کار خداست؛ خدا هم با اختیار کامل تصمیم گرفت انسان را آزاد و مختار بیافریند. مسأله‌ی جبر یا اختیار انسان در کارهای خودش مطرح است و در این کارها باید ببینیم مجبور است یا مختار.

انسان در کارهایی که انجام می‌دهد در مرحله‌ی تصمیم‌گیری آزادی و اختیار کامل دارد؛ لذا در پیشگاه خداوند در قبال تصمیم خود مسؤول است و استحقاق پاداش و کیفر پیدا می‌کند. اگر انسان تصمیم نگیرد، عملی از او صادر نمی‌شود. پس انسان در عملی که از او سر می‌زند، هیچ‌کاره نیست. همان‌طور که حسابدار هیچ‌کاره نیست؛ چون بدون نوشتن و امضای او چکی صادر نمی‌شود و پرداختی صورت نمی‌گیرد. انسان هم اگر بر انجام کاری تصمیم نگیرد، آن کار از او سر نمی‌زند و چون در تصمیم‌گیری آزاد است، هیچ‌کاره نیست.

پرسش: آزادی عمل انسان با حسابدار مؤسسه، تفاوت دارد. آنجا اول حسابدار امضا می‌کند؛

بعد رئیس تأیید می‌کند؛ اما اینجا اول خدا تأیید می‌کند و انسان در آخر تصمیم می‌گیرد.

پاسخ: خیر؛ اول انسان تصمیم می‌گیرد، بعد خدا اگر مصلحت بداند، امکان عملی شدن به

آن می‌دهد؛ اگر هم مصلحت نداند، امکان نمی‌دهد. البته همان‌گونه که حضور حسابدار در

مؤسسه لحظه به لحظه منوط به اراده و خواست رئیس است؛ وجود و صاحب اختیار بودن انسان هم لحظه به لحظه منوط به اراده و خواست تکوینی خداوند است؛ اما خداوند حین تصمیم‌گیری انسان مداخله نمی‌کند و پس از آنکه انسان تصمیم گرفت، بنا به حکمت و مصلحت دید خود، به آن امکان عملی شدن می‌دهد یا نمی‌دهد.

پرسش: به نظر می‌رسد اول تصمیم خداست؛ مثل روشن شدن لامپ؛ من می‌خواهم لامپ روشن شود و اراده می‌کنم کلید را بزنم؛ اما قبل از آن اگر نیروگاهی وجود نداشته باشد و سیم‌کشی نباشد، گرچه من اراده کنم، امکان ندارد لامپ روشن شود.

پاسخ: این در حوزه‌ی فعل شما نمی‌گنجد. وقتی اصلاً نیروگاهی ساخته نشده است، چراغ و کلیدی هم وجود ندارد و روشن کردن چراغی مطرح نیست. اگر نیروگاه و سیم‌کشی برق وجود داشته باشد، چراغ و کلیدی وجود داشته باشد، اینجاست که می‌خواهید چراغ را روشن کنید و کلید را می‌زنید و می‌گوییم بعد از زدن کلید، روشن شدن چراغ به عوامل زیادی بستگی دارد که از اختیار شما خارج است. عوامل زیادی قبل از تصمیم‌گیری ما وجود دارد. همان‌طور که اصل وجود حسابدار در مؤسسه، تصمیم رئیس بود و می‌توانست حسابداری به کار نگیرد، قبل از تصمیم ما خدا ما را آفرید و می‌توانست نیافریند؛ پس نقش خدا قبل از آفرینش ما هم مطرح است. اما خدا ما را به صورت یک موجود آزاد آفرید، ما هم تصمیم آزاد گرفتیم؛ و بعد از این تصمیم آزاد، خدا به تصمیم ما امکان عملی شدن داد.

ماجراهای حضرت ابراهیم علیه السلام مثال روشنی است. حضرت ابراهیم علیه السلام تصمیم جدی گرفت که به امر خدا سرپوش اسماعیل علیه السلام را ببرد؛ اما خدا به آن تصمیم امکان عملی شدن نداد و به

کارد گفت، نبر. نمرودیان تصمیم جدی گرفتند حضرت ابراهیم علیه السلام را بسوزانند؛ اما خدا به آتش گفت، نسوزان.

پرسش: در کتاب بینش دبیرستان می خواندیم، در کارهایی که انسان انجام می دهد، آخرین جزء حلقه ی علل، اراده ی انسان است. قبل از آن همه چیز به دست خدا تحقق پیدا می کند. آخرین جزء این است که انسان اراده کند آن را انجام دهد یا نه؟

پاسخ: در علل، آخری و اولی، زمانی نیست؛ رتبی است. اما به لحاظ فعل اختیاری در عالم خارج، همچون ماجرای ذبح اسماعیل علیه السلام، اول حضرت ابراهیم علیه السلام تصمیم گرفت و بعد خدا مانع از عملی شدن تصمیم شد.

پرسش: اول خدا نخواست سر حضرت اسماعیل علیه السلام بریده شود.

پاسخ: اینکه خدا در علم ازلی خود نخواست یا خواست، بحث دیگری است. اکنون در این عالم تکلیف که خدا به حضرت ابراهیم علیه السلام امر می کند فرزندت را قربانی کن و حضرت مصمم می شود، خدا به این تصمیم امکان عملی شدن نمی دهد. نمرودیان هم در سوزاندن حضرت ابراهیم علیه السلام مصمم هستند؛ اما خدا به این تصمیم امکان عملی شدن نمی دهد.

فرض کنید دو نفر هستند و یکی روی دوش دیگری رفته است تا از قفسه ی کتابخانه کتابی بردارد. اینکه فرد بالایی بتواند کتاب را بردارد، منوط است به اینکه فرد پایینی همراهی کند؛ اگر او از قفسه دور شود، فرد بالایی نمی تواند کتاب را بردارد.

پرسش: ولی اراده‌ی خدا قبل است.

پاسخ: قبلِ زمانی نیست؛ قبلِ علی، رتبی و وجودی است.^۱ اگر قبل به این معنی مورد نظر

باشد، قبل از همه‌چیز اراده‌ی خداست.

پرسش: پس ما خیلی آزادی نداریم.

پاسخ: خدا با اراده‌ی قهری خود شما را آزاد آفریده است. شما در آزاد بودن خودتان آزاد

نیستید؛ اساساً آزاد آفریده شدن کار شما نیست تا در آن آزاد باشید؛ اما اکنون که آزاد آفریده

شده‌اید، آزاد هستید؛ آزادی هم یعنی مجبور نبودن.

پرسش: من آزاد نبودم خانواده‌ای را که در آن متولد می‌شوم، انتخاب کنم و چیزهایی مانند

این.

پاسخ: اینها همان خصوصیتی است که درمورد وجود شماست و کار خداوند است نه کار

شما تا در آن اختیار و انتخابی داشته باشید؛ ولی اکنون که خداوند شما را در این خانواده و در

این زمان و با همه‌ی مشخصاتی که دارید، به‌صورت یک موجود آزاد آفریده است، فعلی که از

شما سر می‌زند، اختیاری است. مسؤولیت شما از این به‌بعد مطرح است.

هیچ‌کس درمورد اینکه زن یا مرد متولد شده است، مسؤول نیست و کیفر یا پاداش داده

نمی‌شود. انسان درقبال کارهایی که می‌کند مسؤول است و باید پاسخگو باشد. بحث ما هم فعل

۱. تقدّم رتبی و وجودی را با یک مثال این‌گونه می‌توان بیان کرد: نویسنده‌ای را در نظر بگیرید که مشغول نوشتن است؛ حرکت دست و قلم او از نظر زمانی توأم یا همزمان است؛ اما تردیدی نیست که وجوداً حرکت ابتدا در دست و سپس در قلم پدید می‌آید.

اختیاری انسان است. گفتیم در فعل اختیاری، طراحی و تصمیم با انسان است و اذن تکوینی با خدا. با این وصف، آیا ممکن است یک عمل اختیاری از انسان سربرزند، بی آنکه خود او در آن نقش داشته باشد؟

پرسش: گاهی انسان چیزی را می‌خواهد و می‌گویند خدا توفیق نداد. توفیق چه نسبتی با اختیار دارد؟

پاسخ: توفیق به یک معنی زمینه‌ی مساعد و تسهیل‌کننده‌ی تصمیم بر انجام کار خیر است. به معنی دیگر جزئی از امضای دوم در کارهای خیر است. اگر انسان برای کار خیری تصمیم بگیرد، ولی خدا توفیق ندهد، آن عمل صادر نمی‌شود؛ اما اگر عمل صادر شد و تحقق خارجی پیدا کرد، نمی‌شود انسان هیچ نقشی در آن نداشته باشد. پس انسان در فعل اختیاری بی‌کس از او سر می‌زند هیچ‌کاره نیست.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

